

تحلیلی بر قرارداد 25 ساله اسارت بار بین چین و جمهوری اسلامی ایران!

کامران هدایت

قرارداد 25 ساله اسارت باری که بین دولت چین و ایران مدتها مورد بحث بود بالاخره 27 مارس (7 فروردین) به امضا وزیر امور خارجه چین و جمهوری اسلامی رسید. این قرار داد از همان ابتدا واکنش های بسیاری را در میان طیف وسیعی از مردم و همچنین در میان نیروهای سیاسی به دنبال داشته است و نهایی شدن و امضای آن خشم و اعتراض بسیاری را برافکنده است.

نطفه های این قرارداد داد در طرح احیای "جاده ابریشم" نهفته است. این جاده این بار هم زمینی و هم دریایی و با قصد کشیدن کشورهای بیشتری از جمله کشورهای تحت نفوذ آمریکا، به درون آن، طرح ریزی شده است. رئیس جمهور چین در اوائل سال 2016 بعد از سفر به مصر و عربستان سعودی و بستن قراردادهای مهم وارد تهران شد. نتیجه این سفر امضاء قرار دادی است که بند 6 آن - نطفه قرارداد 25 ساله جدید با ایران است. اما توافق "برجام" که تقریباً همزمان با قرارداد با چین صورت گرفت، آن را تحت شعاع خود قرار داد و ماه عسل جدیدی با امپریالیستهای غربی بویژه آمریکا آغاز گشت. رژیم جمهوری اسلامی که در بحران های عظیم خارجی گیر کرده بود تصور می کرد که با واریز شدن پول های میلیاردی بلوکه شده و سرمایه گذاریهای عظیم خارجی بتواند بر اوضاع نابسامان خود حداقل به صورت قسمی غلبه کند. اما با ورود ترامپ به کاخ سفید و بیرون کشیدن از توافق برجام و اعمال تحریم های اقتصادی سخت تر، این دوره "ماه عسل" را بسیار کوتاه نمود.

مفاد قرار دادی که بین چین و جمهوری اسلامی در 7 فروردین امضاء شد، تا کنون حتی بعد از امضاء آن علنی نشده است. - اما تضادهای درونی رژیم باعث درز برخی از مواد آن گشته که در مطبوعات خارجی و داخلی منتشر شده اند. البته چین به خاطر منافع خود و احتمال کارشکنی ها و اعتراضات مردمی خواهان مخفی نگاه داشتن این قرارداد بوده و به درز آن در مطبوعات ایران بارها اعتراض نموده است.

طبق قراردادی که متن آن در سال 1394 امضاء گشته طرفین متعهد شده اند که همکاری های خود را عرصه های استراتژیک - سیاسی نظامی، امنیتی و اقتصادی و در عالی ترین سطح برقرار سازند. حجم سرمایه گذاریهای چین قرار است تا سطح 400 میلیارد دلار برسد. از این مقدار 280 میلیارد دلار آن قرار است در صنایع کلیدی گاز- نفت و حمل و نقل سرمایه گذاری شود که 120 میلیارد دلار آن در سال اول عملی می گردد. دیگر عرصه های سرمایه گذاری در صنعت، معادن، ارتباطات ... می باشند. در مقابل چین نفت و گاز را 30 درصد زیر قیمت (با تخفیف ویژه) خریداری کرده و قیمت آن را بصورت دوسوم با پول چینی و یک سوم از طریق خرید کالا خواهد پرداخت. (پرداخت از طریق یو پی سی - در اساس یعنی خرید باز هم کالا از چین).

همچنین بر طبق این قرار داد هشدار هیچ کشور ثالثی نمی تواند مانع از اجرای آن شود و بعد از امضاء باید تحت هر شرایطی این قرار داد عملی گردد.

چین جهت حفاظت از سرمایه گذاری های خود حق دارد 5000 نیروی امنیتی (یعنی ارتش و پایگاههای نظامی) در ایران داشته باشد. توسعه صنایع و تاسیسات نظامی در ایران به چین واگذار شده و همزمان کشتی ها، هواپیماها و نیروهای "امنیتی" چین و روسیه حق بهره برداری از آنان را دارا می باشند و کمپانیهای چینی در ساخت هر پروژه ای در ایران حق تقدم بر دیگران را از آن خود کرده اند. چین در ارتباط با تصمیم گیری در چگونگی استفاده از منابع کشور نقش ویژه داشته و بر چگونگی استفاده از درآمدهای نفت نظارت نموده و انتظار دارد از این منابع "به بهترین وجه" استفاده گردد. در واقع چین در سیاست سرمایه گذاری در ایران نقش ویژه خواهد داشت. - نقش ویژه ای که در راستای سیاستهای چین در منطقه و جهان قرار خواهد گرفت.

ایران در پروژه احیای "جاده ابریشم" برای امپریالیستهای چینی چه در شرایط کنونی و چه در آینده نقش بسیار ویژه ای دارد.

نقش ایران در پروژه های دریایی و زمینی بسیار پراهمیت است. از طریق ایران، چین می تواند به تنگه هرمز- خلیج فارس، دریای عمان و اقیانوس هند و کل خاورمیانه و شاخ آفریقا دسترسی یابد و سپس از طریق زمینی به آسیای میانه و مرکزی و عراق و ترکیه راه یابد- دستیابی به دروازه های اروپا از این طریق یک گشایش کیفی برای چین خواهد بود.

طبق این قرارداد در بندر جاسک - شهرک های توریستی و صنعتی ایجاد خواهد شد و بندر آزاد در کیش، آبادان و ماکو باز خواهند گشت. جمهوری اسلامی با در اختیار گذاشتن این لقمه عظیم در دهان امپریالیستهای چینی امیدوار است که بتواند حمایت های سیاسی، نظامی و مشورتی آنها را برای حفاظت از خود در مقابل مبارزات و قیامهای داخلی و همچنین در مقابل غربی ها به همراه داشته باشد.

جمهوری اسلامی در این میان همچنین به سودی که خود خواهد برد می اندیشد. امیدوار است که با سرمایه گذاریهای عظیم در صنایع نفتی و گازی راندمان سوددهی آنها را بالا برده و از میدانهای مشترکی که با دیگر همسایگان دارد - بهتر استفاده نماید و از طریق درآمدهای آن هم نهادهای مالی خود را تامین کند و از این طریق بتواند سروسامانی به اقتصاد از کار افتاده خود دهد.

سپاه پاسداران، و دیگر نهادهای مالی مانند آستان قدس رضوی و بنیادهای متعدد تحت رهبری خامنه ای که بیشترین صدمات را از تحریم ها دیده اند فعال گشته و با مشارکت در این پروژه ها فربه تر شوند. چین که بزرگترین وارد کننده نفت و گاز جهان می باشد، در شرایط کنونی روزانه 400 هزار بشکه نفت بصورت قاچاق و با قیمت نازل از ایران خریداری می کند. 30 درصد تخفیف و پرداخت اساساً کالایی بعد از 2 سال- انگیزه مهمی خواهد بود که بسیاری از نیازات نفتی و گازی خود را از ایران خریداری نماید.

فعال سازی چین در عرصه ارتباطات و ساختمان G5 به رژیم این امکان را می دهد که کنترل و سانسور را شدیدتر اعمال کند.

کسب حق ماهیگیری توسط کشتی های چینی در خلیج فارس، ماهیگیران محلی جنوبی را که در کل این ساحل طولانی از طریق آن امرار معاش می کردند را به ورشکستگی کشانده است. همزمان شیوه ماهیگیری آنها زیستگاه و تخم گذاری آنان را تقریباً به نابودی کامل کشانده و باعث کمبود و یا از بین رفتن گونه های مختلف ماهی ها گشته است. حال که چین از بندر جاسک تا آبادان و کیش را تحت چتر اقتصادی، سیاسی، نظامی و امنیتی خود قرار است در بیورد فلاکت عظیم تری نصیب مردم منطقه که محل درآمد خود را از دست می دهند، خواهد شد و ممکن است به اعتراضات و سرکوب های پی در پی دامن زند.

نکته دیگری در این رابطه، سیاست " تله قرض " امپریالیستهای چینی است. آنها با پمپاژ سرمایه های عظیم و با آگاهی به آنکه طرف مقابل قادر به بازپرداخت آن در زمان تعیین شده نخواهد بود، این کشورها را مجبور می سازد در مقابل بازپرداخت، امکانات دیگری را در اختیار آنان قرار دهد. و یا حتی امکانی را بطور کل به تصاحب خود در آورند. کشور های پاکستان و سری لانکا به این بلا گرفتار شده و مجبور گشته اند بنادر خود را با اجاره ای نازل به مدت 43 تا 99 ساله در اختیار چینی ها قرار دهند. این نیز بلای دیگری است که جمهوری اسلامی با آن مسئله ای ندارد.

آنچه برای سردمداران جمهوری اسلامی مسئله است بیرون آمدن از اوضاع به هم ریخته و ورشکسته اقتصادی کنونی و رهایی از فشار های سیاسی نظامی امپریالیست های غربی است. علاوه بر آن ضعیفتر شدن موقعیت و نفوذ ایران در منطقه، تشدید تضادهای درونی همراه با بحرانهای سیاسی ایدئولوژیک و مهمتر از همه انفجار دو شورش عظیم مردمی در ایران بعد از قرار داد 2016 باعث شد که جمهوری اسلامی جهت خروج از بحران استراتژیک جغرافیایی - سیاسی و اتکاء کردن به قدرت های بزرگ امپریالیستی برای بقای خود به درگاه چین و روسیه پناه بیاورد. این در شرایطی است که چین درگیر یک جنگ اقتصادی و ژئوپولیتیک با آمریکا قرار داشته. و با آمدن بایدن به کاخ سفید نه تنها این تضاد تخفیف نیافته بلکه به نظر می رسد بیش از پیش تشدید شود. ملاقات هیئت های بلند پایه چینی و آمریکایی در آلاسکا که شامل وزرای امور خارجه دو کشور بود، با پرخاشگری بی سابقه ای بین نمایندگان دو کشور به پیش رفت که نشانه ای از تشدید وخامت در روابط دو کشور می باشد. اما ایدئولوگهای جمهوری اسلامی تشدید تضادهای بسیار خطرناک بین چین و آمریکا را فرصتی برای خود ارزیابی کردند.

بنابراین یکی از مهمترین خصیصه های این قرارداد جنبه های استراتژیک آن در رقابتهای جهانی بین امپریالیست ها و تلاشهای قدرتهای منطقه ای برای نفوذ بیشتر در منطقه است! به گونه ای که می توان گفت منافع اقتصادی این قرارداد برای چین، ثانوی است. به عبارت دیگر این بار هم جمهوری اسلامی با این قرار داد کشور را وارد معادلات جنگی و تضادهای میان قدرت های بزرگ می کند. به همین دلیل این قرارداد واکنش هایی را نیز در سطح بین المللی به همراه داشته است. واکنش هایی که می تواند به تحولات و تغییرات عظیم و خطرناکی در منطقه دامن زند. به همین دلیل در نظر گرفتن اوضاع ژئوپولیتیک حاکم بر جهان و سیالیت آن، در تحلیل از این مسئله از اهمیت خاص برخوردار است.

حضور روبه گسترش چین در خلیج فارس و دریای عمان نه تنها چالشی عظیم علیه سلطه تقریباً مطلق آمریکا در منطقه خواهد بود بلکه همزمان به تقویت موقعیت روسیه در منطقه نیز یاری خواهد رساند و از این طریق قطبی نیرومند در منطقه شکل خواهد گرفت که پتانسیل جلب و تحت شرایطی جذب برخی از کشورهای منطقه را به این قطب ایجاد خواهد نمود. مسئله ای که با توجه به حساسیت فوق العاده زیاد منطقه خلیج فارس تمرکز عظیم نیرو از جانب قدرت های امپریالیستی و قرار دادن ایران در مرکز تضادهای قدرت های امپریالیستی را احتمالاً به دنبال خواهد داشت. شرایطی که می تواند نتایج هولناکی را برای مردم ایران و منطقه در بر داشته باشد.

بحران ساختاری جهان امپریالیستی و تاثیرات مضاعف اقتصادی و سیاسی پاندمی کرونا، اوضاع را بسیار پیچیده تر کرده و امپریالیستها را جهت جبران این ضربات مجبور به اتخاذ سیاستهای خطرناکتر و پرریسک تر می نماید. گذشته از اینکه در واقع قرارداد 25 ساله بین چین و ایران قرار است با استعمار و استثمار وحشیانه به حل بحرانهای در هر دو کشور کمک کند، جمهوری اسلامی برای بیرون آمدن از بحران و حفظ سلطه خود کل کشور را وارد بازی خطرناکی کرده است تا بویژه چین و متحد کنونی آن روسیه را در موقعیت استراتژیکی بهتری قرار دهد.

بدون شک این پروژه با تضادهای بسیاری از جوانب گوناگون روبرو است. که اجرای آن را احتمالاً با مشکلات و تضادهای معینی روبرو خواهد کرد. از آن جمله می توان به تضاد آمریکا و بطور کل امپریالیستهای غربی با این قرار داد و موانعی که ممکن است ایجاد کنند، اشاره کرد. از طرف دیگر نمی توان به تضادهای درون حکومت و همچنین تضادها و تخصصات منطقه ای مثل تضاد چین و هند و یا اختلافات ایران با اسرائیل و یا عربستان سعودی بی توجه بود. اما مهمتر از همه باید به تضاد توده های مردم با این قرارداد اسارت بار و نتایج مستقیم فلاکت باری که برای بخش عظیمی از توده های مردم در بر خواهد داشت اشاره کرد. که در شرایطی می توانند موانع مهمی در اجرای این طرح شوند و یا اینکه آنها را به ضد خود مبدل کنند. اما آنچه مسلم است، با این قرار داد جمهوری اسلامی هر چه بیشتر و عمیقتر کشور و مردم را به درون تضادهای حاد و خطرناک امپریالیستی می کشاند. اوضاع حاد جهانی و منطقه ای و ملی پتانسیل آن را دارد که این قرار داد را یا غیر قابل اجرا نماید، چه به علت اوضاع انفجاری جامعه و شورش پا برهنگان و گرسنگان و چه به علت کشمکش و حاد شدن تضادها.

آنچه مسلم است این یک قرار داد اسارتبار امپریالیستی است و رژیم جمهوری اسلامی برای بقای خود و رهایی از فشار محاصره اقتصادی آمریکا و شورش زحمتکشان و برون رفت از اقتصاد کاملاً ورشکسته اش به پای آن رفته است.

این قرار داد با منافع کارگران، کشاورزان، زاعه نشینان، جوانان، زحمت کشان و کل مردم ایران در تضاد است، علاوه بر آن تاثیرات فوق العاده مخرب اکولوژیکی به همراه خواهد داشت که این مسئله باز هم گریبان مردم و زحمت کشان را خواهد گرفت. ورود سرمایه گذاران بزرگ چینی و دلالی رژیم جمهوری اسلامی جهت فوق استثمار نیروی کار، به تاراج بردن منابع طبیعی و استفاده از موقعیت جغرافیایی - سیاسی کشور برای کسب موقعیت بهتر در رقابت های بین المللی است. مخالفت با این

قرارداد امپریالیستی و مبارزه علیه آن وظیفه ماست و این مخالفت و مبارزه باید با مبارزه علیه موجودیت جمهوری اسلامی و برقراری یک حکومت مردمی تلفیق گردد. تا راه را برای مبارزه برای ایجاد جامعه ای بدون ستم و استثمار هموار کند.

مبارزه برای جهانی بدون مرز – (افغانستان- ایران)

email

riawwb2017@gmail.com

website

www.ri-awwb.org

youtube

www.youtube.com/channel/UCRVpQHnc2v-F8sTYAe7lDdg